

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
فصل اول - تعریف و ماهیت خرد.....	۱۷
خرد چیست؟.....	۱۷
خرد چه چیزی نیست؟.....	۱۹
هوش و خرد.....	۲۰
دانش و خرد.....	۲۲
هوش هیجانی و خرد.....	۲۴
خرد و سن.....	۲۶
خرد و جنسیت.....	۲۷
فصل دوم - ویژگی‌های خردمندان.....	۲۹
۱. توانمندی شناختی.....	۲۹
۲. جستجو برای دستیابی به بیش.....	۳۳
۳. تأمل و بازنگری.....	۳۴
۴. مراقبت از دیگران.....	۴۰
۵. مهارت‌های حل مسئله در زندگی واقعی.....	۴۳
۶. از خود فراروی.....	۴۴
۷. تحمل ابهام.....	۴۸
۸. گشودگی به تجربه.....	۵۰
جمع‌بندی.....	۵۱
فصل سوم - مدل‌های علمی خرد.....	۵۳
پارادایم برلین.....	۵۳
ملاک‌های اصلی خرد.....	۵۴
فراملاک‌های خرد.....	۵۴
رشد خرد در پارادایم برلین.....	۵۶

۵۹ نظریه توازن خرد
۶۰ دانش ضمنی به عنوان هسته خرد
۶۱ نقش ارزش ها
۶۲ مدل سه بعدی خرد
۶۳ بعد شناختی
۶۴ بعد تأملی
۶۴ بعد عاطفی
۶۵ مدل پنج عاملی خرد
۶۶ ۱. تجربه
۶۶ ۲. تنظیم هیجانی
۶۷ ۳. مرور خاطرات و بازبینی آنها
۶۸ ۴. گشودگی
۶۸ ۵. شوخ طبعی
۶۹ مدل رشدی خرد
۷۰ رشد خرد
۷۱ شرایط تسهیل کننده رشد خرد
۷۲ دیدگاه فرایندی خرد
۷۳ یکپارچگی
۷۴ تجسم
۷۶ اثرات مثبت
۷۶ زندگی خوب
۷۷ مشارکت در جامعه
۷۷ جمع بندی مدل های علمی خرد
۸۰ فصل چهارم - رشد خرد
۸۳ رشد خرد از طریق تجارب زندگی
۸۳ مدل تجربه زندگی
۸۴ ۱. احساس تسلط
۸۵ ۲. گشودگی
۸۶ ۳. بازبینی
۸۷ ۴. تنظیم هیجان و همدلی

۸۸ تعامل منابع چهارگانه خرد و تجارب زندگی
۸۹ تجربه‌های زندگی و رشد خرد
۸۹ سطح اول: تجربه‌های بنیادین زندگی
۹۱ سطح دوم: برخورد با چالش‌های بنیادین
۹۲ سطح سوم: ادغام در داستان زندگی
۹۴ فصل پنجم - خرد و رهبری
۹۷ رهبری خردمندانانه
۱۰۲ فصل ششم - سنجش خرد
۱۰۴ روش‌های پژوهش برای مطالعه نظریه‌های ضمنی خرد
۱۰۵ روش‌های پژوهش برای مطالعه نظریه‌های آشکار خرد
۱۰۵ ۱. مقیاس سه‌بعدی خرد (3D-WS)
۱۰۹ ۲. مقیاس خودارزیابی خرد SAWS
۱۱۲ ۳. مقیاس از خود فرارروی بزرگسالان ASTI
۱۱۳ ۴. مقیاس ارزش‌های بنیادین FVS
۱۱۶ فصل هفتم - به‌سوی خرد
۱۱۷ ۱. مطالعه کنید
۱۲۰ ۲. زندگی هشیارانه داشته باشید
۱۲۳ زندگی هشیارانه
۱۲۳ زندگی ناهشیارانه
۱۲۴ زندگی هشیارانه
۱۲۴ زندگی ناهشیارانه
۱۲۵ زندگی هشیارانه
۱۲۶ زندگی ناهشیارانه
۱۲۷ ذهنیت و عینیت
۱۲۸ سطوح هشیاری (سطوح ذهن)
۱۲۹ سطح اول هشیاری
۱۲۹ سطح دوم هشیاری
۱۳۰ سطح سوم هشیاری

- ۱۳۱..... سطح چهارم هشیاری
- ۱۳۲..... سطح پنجم هشیاری
- ۱۳۳..... خرد و سطوح هشیاری
- ۱۳۴..... ۳. زندگی معتبر داشته باشید.
- ۱۳۶..... ۴. برای زندگی خود معنا بیابید.
- ۱۳۹..... ۵. مهربانی، نوع دوستی و کمک به دیگران را بیاموزید.
- ۱۴۱..... فهرست منابع
- ۱۴۹..... واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
- ۱۵۱..... واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

پیشگفتار

حکیم توس فردوسی بزرگ، خرد را مایه سعادت در زندگی انسان می‌داند و آن را این‌گونه می‌ستاید:

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد	ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای	خرد دست گیرد به هر دو سرای
ازو شادمانی و زویت غمیست	و زویت فزونی و زویت کمی است
هر آن کس که دارد روانش خرد	به چشم خرد کارها بنگرد
تو چیزی می‌مدان کز خرد برتر است	خرد بر همه نیکویی‌ها سر است
خرد چشم جان است چون بنگری	تو بی چشم شادان جهان اسپری

در سال ۱۳۹۲ که برای گذراندن فرصت مطالعاتی در دانشگاه تورنتوی کانادا حضور داشتم فرصتی پیش آمد تا با صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه خرد مانند مونیکا آردلت، جفری ویستر، شی یانگ و میشل فراری دیدارهایی داشته باشم و با آرا و اندیشه‌های آنها از نزدیک آشنا شوم. مدل‌های علمی که این افراد درباره روان‌شناسی خرد ارائه کرده‌اند بسیار برای من آشنا بود و احساس کردم قبلاً آنها را به زبانی دیگر شنیده‌ام. آنجا بود که متوجه شدم فرهنگ و ادبیات غنی ایران که در قالب اشعار، پندها، ضرب‌المثل‌ها، آیات و روایات، و حکایات و افسانه‌ها، نسل‌به‌نسل در بین ایرانیان بازگو می‌شوند، مملو از درس‌های خرد است. با وجود این، فعالیت جلدی با روش‌های علمی هنوز در این خصوص در حوزه روان‌شناسی خرد انجام نگرفته است. تصمیم گرفتم با کمک دانشجویان پژوهش‌هایی را

در این زمینه آغاز کنم. اثری که پیش روی شما است با هدف معرفی آنچه تاکنون در سطح جهانی و در داخل کشور در حوزه خرد انجام گرفته فراهم آمده است.

امروزه شاید نوشتن کتابی درباره روان‌شناسی بی‌خردی راحت‌تر از روان‌شناسی خرد باشد زیرا نمونه‌های بی‌خردی در دسترس‌تر هستند و در محافل گوناگون هم پیدا می‌شوند؛ از کوچک و بازار گرفته تا رسانه‌ها و روزنامه‌ها، از افراد گمنام و عادی گرفته تا سرشناسان. آنها به راحتی در مصاحبه‌ها شرکت می‌کنند و از خود، زندگی خود، فتوحات و پیروزی‌ها، نقطه نظرات و فلسفه خود در زندگی که باعث شده چنین سربلند از آب درآیند به تفصیل صحبت می‌کنند. کتاب‌هایی هم درباره این افراد نگاشته شده‌اند و برخی از آنها نظیر «بی‌شعوری»^۱ حتی در ایران نیز پرفروش بوده‌اند! و یا در کتابی دیگر نمونه‌هایی از تاریخ چین گزارش شده است و محتوای آن مملو از آدم‌کشی‌ها و قتل و غارت انسان‌های بی‌گناه است و به جز چند صفحه معدودی که به آموزه‌های کنفوسیوس اختصاص داده شده است باقی همه درباره فاتحان و شکست‌خوردگان میدان‌های جنگ و هنر رزم آنها است و چه شگفت‌انگیز عنوان کتاب: «گنجینه خرد چین»! کتاب، سرگذشت شاهان و مشاوران به اصطلاح خردمند آنها است که از فنون جنگی زیرکانه استفاده کرده و حریف را شکست داده‌اند. در یکی از نمونه‌های آن یکی از این مشاوران خردمند! ترفندی به کار می‌برد که باعث می‌شود دویست هزار سرباز حریف در رودخانه غرق شوند و مابقی سربازهای دشمن در حمله‌ای غافلگیرکننده سلاخی شوند. در تاریخ پادشاهی سرزمین خودمان هم از این جنس به اصطلاح خردمندی‌ها فراوان است.

تاریخ مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد که روان‌شناسان ترجیح داده‌اند بیشتر بیماران روانی را مطالعه کنند تا انسان‌های سالم. علت این امر نیاز فوری بیماران برای مداوا بوده است که البته باعث شده امروزه بسیاری از بیماری‌های روانی قابل درمان باشند که خود افتخار بزرگی برای جامعه روان‌شناسی و روان‌پزشکی است؛ اما در این میان انسان سالم و ویژگی‌های او کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین، بخش عظیمی از یافته‌های روان‌شناسی از پژوهش‌هایی استخراج شده است که بر روی حیوانات انجام شده‌اند با این فرض که قوانین حاکم بر رفتار موجودات زنده، چه انسان و چه حیوان، یکی است و یافته‌های به دست آمده بر روی یکی بر دیگری هم قابل تعمیم‌اند. هرچند این فرض درست است و شباهت‌های بسیاری بین حیوانات و انسان‌ها به‌ویژه در زمینه

۱. کرمنت، خاور. (۱۳۹۳). بی‌شعوری. ترجمه محمود فرجامی. چاپ ۲۱. انتشارات تیسرا.

یادگیری دیده شده است، اما آنچه انسان را انسان می‌کند تفاوت‌های او با سایر جانداران است نه شباهت‌هایش. صفات عالی انسانی که مخصوص گونهٔ انسان است چندان در پژوهش‌های روان‌شناسی پررنگ نبوده‌اند. خرد یکی از این صفات است که جای آن در تاریخ مطالعات روان‌شناسی به شکل شگفت‌آوری خالی است.

در بحث خرد صحبت از اوج رشد و کمال انسانی است. صحبت در مورد جایگاهی است که انسان‌ها و تنها انسان‌ها می‌توانند در سلسله‌مراتب تکامل به آن دست‌یابند. نهضت روان‌شناسی مثبت‌نگر (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴) برای پاسخ به این سؤال شکل گرفته است که انسان چگونه باید باشد؟ نه اینکه چگونه است؟ آیا انسانی که اشرف مخلوقات نامیده شده است همین ما هستیم؟! اگر چنین است و اگر نگاهی هم به تاریخ زندگی این مخلوق بیندازیم و کارهایی که با دیگر موجودات، طبیعت و حتی خودش انجام داده است، شاید بد نباشد واژه‌ای هم بهتر از این برای حیوان‌ها پیدا کنیم، زیرا آنها اینقدر که ما از هم متنفر هستیم و در طول تاریخ نشان داده‌ایم، مشکلی با هم ندارند.

سعیدی در بوستان چنین می‌گوید:

نه هر آدمیزاده از دد به است	که دد ز آدمیزادهٔ بد به است
به است از دد انسان صاحب‌خرد	نه انسان که در مردم افتد چو دد

بنابراین لازم است علاوه بر بررسی وضعیت فعلی انسان‌ها، نگاهی هم به توان بالقوه آنها، به آنچه می‌توانند باشند، بیندازیم که البته کسانی هستند که به سمت این اهداف حرکت کرده و کمال انسانی را در رفتار خود نشان داده‌اند. خوشبختانه این دسته از انسان‌ها وجود دارند، در طول تاریخ بوده‌اند و می‌درخشند و در اطرافمان یافت می‌شوند. روان‌شناسی مثبت‌نگر به دنبال یافتن ویژگی‌های این دسته از انسان‌ها است. این افراد در زمانه ما حضور دارند، می‌توان آنها را یافت و زندگی و رفتارهای‌شان را مطالعه کرد. این کتاب بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از مطالعه خردمندان نگارش شده است. پژوهش‌هایی که از شروع آن در روان‌شناسی تا این تاریخ بیش از ۳۰ سال نمی‌گذرد.

در فصل اول این کتاب تحت عنوان «تعریف و ماهیت خرد» سعی شده است با عنایت به تعاریف موجود، از خرد تعریفی ارائه شود که ضمن اینکه عناصر اصلی سایر تعاریف را

در خود دارد، خصوصیات فرهنگی و بومی ایرانیان نیز در آن دیده شود. تفاوت‌های خرد با سایر مفاهیم مشابه نظیر هوش، دانش و هوش هیجانی نیز در این فصل مشخص شده است. رابطه خرد با سن و این موضوع که آیا خرد را باید تنها در پیری جستجو کرد یا خیر و نیز رابطه خرد با جنسیت از موضوعات دیگری است که در فصل اول مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در فصل دوم، ویژگی‌های خردمندان توضیح داده شده‌اند. از بین فهرست‌های موجود که صاحب‌نظران حوزه خرد به‌عنوان ویژگی‌های افراد خردمند پیشنهاد داده‌اند، هشت ویژگی که تا حدودی در بین دیدگاه‌های متفاوت مشترک بودند و نیز با فرهنگ ما سنخیت بیشتری دارند انتخاب شدند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: توانمندی شناختی، جستجو برای دستیابی به بینش، تأمل و بازنگری، مراقبت از دیگران، مهارت‌های حل مسئله در زندگی واقعی، از خود فراروی، تحمل ابهام و گشودگی به تجربه.

فصل سوم با عنوان «مدل‌های علمی خرد» به الگوهای نظری پرداخته است که پژوهشگران حوزه خرد در سال‌های اخیر ارائه داده‌اند. این فصل با شناخته‌شده‌ترین مدل علمی خرد تحت عنوان «پارادایم برلین» آغاز می‌شود و در ادامه نظریه توازن خرد، مدل سه‌بعدی، الگوی پنج عاملی، الگوی رشدی و دیدگاه فرایندی خرد توضیح داده شده‌اند.

فصل چهارم با عنوان «رشد خرد» سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که چرا خرد با افزایش سن در برخی افراد رشد می‌کند و در برخی نه. برای رشد خرد به چه مهارت‌هایی نیاز است. مدل تجربه زندگی که در این فصل مورد بحث قرار گرفته، معتقد است خرد از تجربه‌های زندگی استخراج می‌شود و افراد برای درک معنای خرد و آموختن درس‌های زندگی از لابه‌لای تجربه‌های‌شان نیاز به مهارت‌هایی خاص دارند. چهار منبع مهم برای رشد خرد از طریق تجربه‌های زندگی وجود دارد. افرادی که از احساس نیرومند تسلط، سطح بالای گشودگی، توانایی تأمل و مهارت‌های تنظیم هیجان و همدلی برخوردار هستند قادراند از تجربه‌های خود در جهت رشد خرد استفاده کنند.

فصل پنجم تحت عنوان «خرد و رهبری»، مدیریت خردمندان و بی‌خردانه را توضیح داده است. در این فصل سؤالاتی مانند مدیریت و رهبری خردمندان چه ویژگی‌هایی دارد؟ خردمندان در صورتی که رهبر یک گروه شوند چگونه عمل می‌کنند؟ مطرح شده‌اند. برای پاسخ به این سؤالات به دیدگاه استرنبرگ که پژوهش‌های متعددی در این حوزه انجام داده است استناد می‌شود.

فصل ششم با عنوان «سنجش خرد»، به روش‌هایی پرداخته است که برای سنجش علمی خرد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این فصل شامل دو بخش است. در بخش اول روش‌های سنجش نظریه‌های ضمنی خرد شامل درجه‌بندی، بررسی زندگی‌نامه شخصی و بررسی نامزدهای خرد و در بخش دوم روش‌های سنجش نظریه‌های آشکار خرد توضیح داده شده‌اند. در این فصل، چهار مقیاس پرکاربرد در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته است، به همراه شاخص‌های روان‌سنجی آنها، به‌طور کامل معرفی شده‌اند. مقیاس‌های معرفی شده عبارت‌اند از: مقیاس سه‌بعدی خرد (3DWS)، مقیاس خودارزیابی خرد (SAWS)، مقیاس از خود فراروی بزرگسالان (ASTI) و مقیاس ارزش‌های بنیادین (FVS).

فصل هفتم با عنوان «به‌سوی خرد»، تلاشی است برای پاسخ به این سؤال که آیا می‌توانیم خرد را در خود پرورش دهیم؟ اولین پیشنهاد برای حرکت به‌سوی خرد مطالعه و کسب دانش است. همچنین به دلیل اهمیت زندگی هشیارانه در دستیابی به خرد و شناخت بیشتر از هشیار بودن، مراحل هشیاری از رابرت کگان توضیح داده شده است. زندگی معتبر، معنایابی در زندگی و کمک و مراقبت از دیگران که همه از ویژگی‌های دستیابی به خرد هستند، از دیگر پیشنهاد‌های این فصل است.

درمجموع اثر پیش رو به‌عنوان اولین کتاب در حوزه روان‌شناسی خرد مملو از کاستی‌ها و نقایص است که به بضاعت محدود نگارنده برمی‌گردد. از اساتید، صاحب‌نظران و علاقه‌مندان این حوزه صادقانه درخواست می‌کنم هرگونه نظر و پیشنهاد خود را درباره این کتاب به‌منظور استفاده و اصلاح آنها در چاپ‌های بعدی به اطلاع این‌جانب برسانند.

از خانم آرزو دلفان بیرانوند که در انجام پژوهش‌های مرتبط با خرد کمک شایانی به من کرده‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

رسول کرد نوقابی

زمستان ۱۳۹۵

rkordnoghi@gmail.com

تعریف و ماهیت خرد

خرد چیست؟

در طول ۳۰ سالی که از مطالعه علمی خرد می‌گذرد تعاریف متعددی برای آن پیشنهاد شده است. اریکسون (۱۹۸۶) خرد را محصول نهایی رشد انسانی می‌دانست که پس از اینکه فرد بحران‌های روانی - اجتماعی را در طول زندگی خود از کودکی تا پیری یکی پس از دیگری با موفقیت پشت سر گذاشت به خرد دست پیدا می‌کند. از نظر اریکسون خرد در مراحل پایانی زندگی قابل دستیابی است. در این مرحله فرد به گذشته خود می‌نگرد، به همه کارهایی که انجام داده یا نداده، به روابط درست و غلطش، به فرزندان که پرورش داده، به کیفیت فعالیت‌های شغلی‌اش، و به موفقیت‌ها و شکست‌هایش در طول زندگی. اگر از آنها به‌طور کلی راضی بود به یکپارچگی شخصیت دست می‌یابد. فرد احساس می‌کند جزئی از یک کل جامعه انسانی است که قبل از او بوده و پس از مرگ او نیز همچنان ادامه خواهد داشت؛ اما اگر درباره گذشته خود پشیمانی‌های زیادی احساس کرد به ناامیدی و ترس از مرگ می‌رسد.

از پیشگامان مطالعه علمی خرد، گروهی تحت عنوان پارادایم خرد برلین^۱ هستند (بالتز و استاودینگر، ۱۹۹۳) که خرد را نوعی تخصص در مسائل بنیادین زندگی تعریف کرده‌اند. خرد برخورداری از بینش عمیق و قضاوت درست درباره ماهیت انسان، مسائل و مشکلات اساسی او در زندگی، روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت یک زندگی خوب است. استرنبرگ (۲۰۰۱، ۲۰۰۸) خرد را کاربرد هوش، خلاقیت و دانش با وساطت ارزش‌ها

1. Berlin Wisdom Paradigm

برای دستیابی به اهداف خیرخواهانه تعریف می‌کند. آردلت (۲۰۰۳) خرد را یک ویژگی شخصیتی می‌داند که از ترکیب سه بعد شناختی، تأملی و عاطفی به دست می‌آید. بعد شناختی تلاش و تمایل برای دانستن حقیقت و درک عمیق‌تر زندگی است. بعد تأملی تلاش برای دیدن پدیده‌ها از دیدگاه‌های متفاوت و نیز دیدن آنها بدون سوگیری‌های ذهنی و فراقکنی‌ها است و بعد عاطفی برخورداری از عشق همدلانه و دلسوزانه نسبت به دیگران است. یانگ (۲۰۰۸) خرد را نه یک ویژگی شخصیتی ثابت، بلکه فرایندی در طول زندگی واقعی تعریف می‌کند. فرایندی که فرد از نظر شناختی به یکپارچگی دست می‌یابد، سپس ایده‌هایش را در عمل پیاده می‌کند و به تبع آن، آثار مثبتی برای خود فرد و دیگران به ارمغان می‌آورد. آردلت (۲۰۱۱) معتقد است به‌رغم دشواری در تعریف خرد، بین پژوهشگران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد مبنی بر اینکه خرد مشتمل بر دانش، تفکر، درک و بینش، تأمل و بازنگری و توجه همزمان به دیدگاه‌ها و منافع خود و دیدگاه‌ها و منافع دیگران است.

با نگاهی به تعاریف موجود، به نظر نگارنده، خرد را می‌توان چنین تعریف کرد: خرد شیوه‌ای از تفکر، احساس و رفتار است که آثار مثبتی برای زندگی خود و دیگران به بار می‌آورد و در بافت زندگی ظاهر می‌شود. برای نمونه، یک کشاورز به‌گونه‌ای می‌اندیشد و رفتار می‌کند که محصولش با حداکثر کیفیت در اختیار خریداران قرار گیرد و احساس مثبت فقط از این مسیر به او دست می‌دهد. او هیچ‌گاه از فریب دادن دیگران احساس خوشایند ندارد، حتی اگر سود شخصی‌اش تأمین شده باشد، فرد به‌اصطلاح زرنگی که محصول بی‌کیفیت خود را با هزار دروغ و ترفند به دیگران می‌فروشد و سود می‌برد و به گمان خود در این معامله پیروز شده است خردمند نیست. خردمند هیچ‌گاه چنین معامله‌ای را سودمند نمی‌داند، چون موازنه سود خود و دیگران به هم می‌خورد و بنابراین احساس خوب به دنبال ندارد. آثار مثبت در بافت زندگی یک معلم، یادگیری عمیق شاگردان و رشد شخصیت آنان، برای یک رهبر رفاه و سعادت مردم و برای یک مدیر به حداکثر رساندن کیفیت محصول با به حداکثر رساندن نیروهای بالقوه کارکنانش و شکوفاسازی استعدادهای آنان است.

بر اساس تعریف ارائه‌شده، خرد باید در عمل فرد دیده شود تا آثار مثبت برای خود فرد و دیگران به بار آورد. کسی که فقط ایده‌های خردمندانه دارد اما در رفتارهایش چیزی از آن دیده نمی‌شود خردمند نیست. خرد یکپارچگی در فکر و عمل است. خردمند

سعی می‌کند آنچه از نظر او درست است در زندگی واقعی به کار بندد. بنابراین زندگی خردمندان نمادی از شیوه تفکر آنها است. از طرفی به دلیل اینکه شرط اساسی برای خردمندی ظاهر شدن آن در بافت زندگی واقعی فرد است، ممکن است رفتارهای فرد در موقعیت‌های مختلف از نظر درجه خردمندی با یکدیگر متفاوت باشد. وقتی فکری به عمل درمی‌آید اصلاح می‌شود، تغییر می‌کند و با واقعیت هماهنگی بیشتری می‌یابد. این فرایندی است که برای به کمال رسیدن یک ایده ضروری است. بنابراین فرد ممکن است در یک بافت از زندگی که تجربه بیشتری در آن دارد خردمندانه عمل کند، اما همین فرد در موقعیتی متفاوت، به دلیل کمبود تجربه و با وجود داشتن افکار و نیت خردمندانه، به همان اندازه شرایط قبلی خرد نشان ندهد. برای نمونه، همان کشاورزی که مثال آن ذکر شد در مقام مدیر عده‌ای کشاورز دیگر نتواند خردمندانه عمل کند و یا یک سیاستمدار که در شغل خود رفتارهایی خردمندانه نشان داده است، پدر یا مادر خردمندی نباشد.

با این وجود، همگام با استرنبرگ (۱۹۹۰) می‌توان گفت که برای درک کامل و درست خرد، احتمالاً نیاز به خرد بیشتری از آنچه هر یک از ما داریم، خواهیم داشت بنابراین به دلیل فقدان خرد کامل، نمی‌توانیم ماهیت آن را به طور کامل درک کنیم. تشخیص اینکه درک کامل مفهوم خرد همیشه دور از دسترس ما است خودش نشانه‌ای از خرد است.

خرد چه چیزی نیست؟

برای درک بهتر مفهوم خرد بهتر است شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را با سایر مفاهیم روان‌شناختی مشابه بررسی کنیم. مفاهیمی که در روان‌شناسی با عنوان «تفاوت‌های فردی» مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در روان‌شناسی همواره این سؤالات مطرح بوده است که انسان‌ها چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ چه ویژگی‌هایی در انسان‌ها وجود دارد که منجر به موفقیت و یا شکست آنها در رقابت با یکدیگر و یا در دستیابی به اهداف شخصی می‌شود؟ چرا برخی انسان‌ها به نظر موفق‌تر از دیگران هستند؟ انسان‌های موفق چه خصوصیتی دارند که انسان‌های ناموفق ندارند یا به اندازه آنها ندارند؟ و یا سؤال بهتر اینکه انسان‌های سالم چه ویژگی‌هایی دارند که آنها را از دیگران متمایز می‌کند؟ مفاهیمی نظیر هوش، استعداد، تیپ‌های شخصیت، سبک‌های شناختی، هوش هیجانی، هوش اجتماعی و اکنون خرد، از جمله مفاهیمی هستند که سعی دارند تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها را توضیح دهند.

هوش و خرد

عقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردان‌اند

مطالعات نشان داده است به دلیل تأکید بر افزایش توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های شناختی در نظام‌های آموزشی دنیا، به ازای هر نسل (۳۰ سال) میزان بهره هوشی (IQ) ۹ نمره افزایش یافته است (استرنبرگ، ۲۰۰۴)؛ یعنی انسان‌ها نسل به نسل باهوش‌تر شده‌اند؛ اما آیا به همین اندازه، روابط انسانی نیز بهبود یافته است؟ آیا صلح و دوستی گسترش پیدا کرده است؟ آیا انسان‌ها در دنیای بهتر و انسانی‌تری زندگی می‌کنند. صلح و آرامش رو به افزایش است؟ و بالاخره آیا به همان اندازه مردم خردمندتر شده‌اند؟

استرنبرگ (۲۰۰۲) گزارش کرده است که افزایش بهره هوشی نه تنها به بهبود خرد منتهی نشده بلکه حتی آسیب‌هایی هم برای رشد خرد داشته است. او معتقد است افراد باهوش به نسبت افراد با ضریب هوشی کمتر، دچار استدلال‌های غلطی در تفکر خود می‌شوند که در اتخاذ تصمیمات خردمندانه به شدت اختلال ایجاد می‌کنند برخی از این اشتباهات فکری عبارت‌اند از:

- خودمحوری: یعنی اینکه همه امور جهان به دور شخص می‌چرخد.
- همه‌چیزدانی: یعنی از همه امور دنیا باخبرند.
- همه کاروانی: یعنی از عهده انجام هر کاری که بخواهند برمی‌آیند.
- آسیب‌ناپذیری: یعنی می‌توانند از همه مشکلات فرار کنند و آسیبی نبینند.

هوش، توانایی حل کردن مسائل و مشکلات است. هوش ابزاری است که قادر است انسان را با مشکلاتی که با آنها روبه‌رو می‌شود سازگار کند. مشکلاتی مانند حل یک مسئله ریاضی، گذراندن یک واحد درسی و یا قانع کردن فرد دیگری که دیدگاه مخالفی با ما دارد.

هوش می‌داند یک مسئله را چطور حل کند اما نمی‌داند کدام مسئله را باید حل کند و اینکه آیا این مسئله ارزش حل شدن دارد یا نه؟ اولویت در حل مسائل بی‌شماری که انسان هر روز با آنها روبه‌رو می‌شود با کدام است؟ سؤالاتی از این دست به حوزه خرد مربوط‌اند و هوش قادر نیست پاسخ درستی برای آنها فراهم آورد. بسیاری از انسان‌های باهوش که تمام

عمر خود را صرف مسائلی می‌کنند که در اصل ارزش حل کردن نداشته‌اند. به همین علت است که انسان‌ها در لحظات آخر عمر و یا در مواجهه با مرگ، تازه متوجه می‌شوند که کاش این‌همه وقت ارزشمند خود را صرف موضوعاتی چنین بی‌اهمیت نمی‌کردند.

حکایت: به شاه‌عباس گفتند مردی هست که می‌تواند یک سینی سوزن را به هوا بیاندازد و سپس بدون اینکه حتی یک‌دانه آن به زمین بیافتد همه را بگیرد. شاه‌عباس گفت که فوراً آن مرد را به حضورش ببرند. مرد آمد و مهارت خود را به‌خوبی به شاه‌عباس نشان داد. شاه به او آفرین گفت و از مهارت بی‌نظیر او شگفت‌زده شد و دستور داد یک سکه طلا به او بدهند و سپس صد ضربه شلاق بزنندش. مرد متعجب علت این پاداش و تنبیه عجیب را از شاه پرسید و شاه جواب داد: یک سکه برای مهارتی که داری و زحمتی که برای کسب این مهارت کشیده‌ای و صد ضربه شلاق برای اینکه «که چه مردک؟». سود این کار در چیست؟

فراوان‌اند افرادی که در شغل خود بسیار موفق‌اند، در رده‌های بالای تحصیلی، اقتصادی، ورزشی، هنری و اجتماعی هستند حتی بسیاری از احترام اجتماعی بالایی برخوردارند، اما در تنهایی خود ناراضی‌اند، ناشادند، ازخودبیگانه‌اند و احساس می‌کنند انگار خودشان نیستند و ناخودآگاه فقط پیش می‌روند. گویی تنها مسائل این دنیا پیشرفت روزافزون در کار، عبور از رقبا، پیروز شدن و از این قبیل است. آنچه در این افراد کامل نیست، نه هوش است نه دانش و نه مهارت زیرا که از هرکدام به مقدار زیاد دارند، بلکه خرد است که همپای سایر توانمندی‌ها به‌اندازه کافی رشد نیافته است.

هشیاری و ذهن روشن خردمند همانند ترمزی است که او را از ورود بی‌جهت به مسائلی که ارزش درگیری ندارند بازمی‌دارد. ذهن انسان خردمند همواره در پی پاسخ به سؤال‌هایی از این قبیل است: «آیا ارزشش را دارد؟ و آیا از بین موضوعاتی که می‌توانم و قتم را صرف آنها کنم این موضوع مهم‌ترین است؟». این افراد می‌دانند که تنها سرمایه آنها عمرشان است لذا در مورد اینکه چطور این سرمایه بی‌برگشت را صرف کنند به‌شدت حساس‌اند.

انسان‌های باهوش به‌اصطلاح در «دام هوش» خود می‌افتند. به این معنی که هوش